**شاعر مشرق**

**عشرت پاکستانی، اکرام حسین**

بمناسبت دوازدهمین سال وفات شاعر ملی پاکستان دکتر محمد اقبال از طریق سازمان پاکستانی‏های مقیم آبادان جلسه‏ای تشکیل شده که در آن آقای دکتر اکرام حسین عشرت طبیب دانشمند بیمارستان شرکت نفت اشعاری سروده‏اند و خوانده‏اند.این اشعار را آقای دکتر محمد صادق رئیس محترم سازمان پاکستانیهای آبادان برای خوانندگان مجله یغما فرستاده‏اند که درج میکنیم و از لطف و مرحمت ایشان ممنونیم.

یاد ایامی که از هندوستان بودیم ما

تخته عشق جفای آسمان بودیم ما

در میان لاله و گل خانه صیاد بود

مثل مرغان قفس بی آشیان بودیم ما

دوستان رفتند دنبال امیر کاروان

در بیابان هم رکاب این و آن بودیم ما

شیخ یاوه گو بدین مصطفی کاری نداشت

صید افسون نگاه ناکسان بودیم ما

روز در مسجد زایمان گفتگوها داشتیم

شب شریک محفل پیر مغان بودیم ما

هر گهی از قصه زلف و کمر فارغ شدیم

شوکت گم کرده را افسانه خوان بودیم ما

بی خبری گشتیم از خمخانه ویران خویش

غرق در جام شراب دیگران بودیم ما

پی به پی از گرمی سوز درون میسوختیم

در تلاش چاره درد نهان بودیم ما

ناگهان در بزم ما مرد جوان سالی رسید

بهر خاور از حریم عشق اقبالی رسید

گفت«ای یاران-مرا کاری بچنگ و تار نیست

عشق من پابند زلف و کاکل و رخسار نیست»

«غوغای زاهد نگردد رونق دکان دین

شوخی گفتارها بی لذت کردار نیست»

«گاه روی دار باشد گاه بر اوج سریر

منزل مردان حر در کوه و دشت و غار نیست»

«مرغ خوش صورت که در کنج قفس دارد مقام

نیست از گلزار ما گر-دیده‏اش خونبار نیست»

«ایکه در آویزش دین و وطن گم گشته‏ای

کار و بار بر همین جز جادوی افکار نیست»

«جان چسان بازد برای حفظ ملک دیگران

بنده مؤمن-اگر در شهر خود مختار نیست»

«خویشر ابشناس و درس از حکمت قرآن بگیر

دفتر ملا علاج ملت بیمار نیست»

«از فروغ حسن علم و عقل میتابد فرنگ

ورنه جنس آدمیت اندرین بازار نیست»

داد این پیغام و سر در زیر خاکستان نهاد

در گلستان غلامان طرح پاکستان نهاد